

پایبندی به اصول اخلاق حرفه‌ای در "پروفشن‌های سنتی" "پروفشن‌های نوین" "پروفشن‌های دولتی"

دکتر داریوش فرهود*^{۲۰۱}

۱. دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تهران

۲. کلینیک ژنتیک تهران

(تاریخ دریافت: ۹۱.۰۱.۱۵، تاریخ پذیرش: ۹۱.۰۸.۰۷)

چکیده

زمینه: هر چند، واژه پروفشن بطور عام، برابر حرفه و شغل قرار داده می‌شود، ولی در واقع پروفشن‌ها به حرفه‌های دانش بنیاد، همراه با تعهدنامه (سوگندنامه) و اصول و ملاحظات اخلاقی شدید و سنگین، گفته می‌شود. اعضاء پروفشن‌ها، افرادی هستند که به یک خدمت خیر رسان پرداخته و در برابر سازمان آموزش دهنده و تربیت کننده حرفه‌ای خود و نیز در برابر دریافت کنندگان خدمات خود، بر اساس آیین‌نامه داخلی یا "کداتیکز" آن پروفشن، متعهد و پاسخگو خواهند بود.

نتیجه گیری: افتراق پروفشن‌های سنتی، از پروفشن‌های نوین و پروفشن‌های دولتی، براساس تفاوت‌های تعریف شده در هر سه مورد، بسیار مهم و ضروری است که در این نوشتار، به آن پرداخته شده است.

کلید واژه‌ها: پروفشن‌های سنتی، پروفشن‌های نوین، پروفشن‌های دولتی، اخلاق حرفه‌ای

أَلْعِلْمُ عِلْمَان: عِلْمُ الْأَبْدَانِ وَ عِلْمُ الْأَدْبَانِ

رسول اکرم (ص)

سراغاز

ارجمند را بخاطر معنویت و ارزش آن خدمت عالییه، انجام می‌دادند و انتظار جبران مادی نیز نداشتند، زیرا امرار معاش آنها از حرفه‌های دیگری چون کشاورزی و صنعتگری بود.

بخوبی احساس می‌شود که از زمان مرسوم شدن پرداخت اجر و مزد برای چهار گروه شغلی شریف یاد شده در بالا، بشدت از معنویت، قداست و ظریب اثرگذاری آنها کاسته شده، بطوریکه امروزه بسیاری از شاغلان در مشاغل شریف یاد شده، با برقرار کردن مناسبات روزافزون مادی با دریافت کنندگان خدمات خود، (یعنی مخاطبان و کمک جویان) اشرافیت و معنویت خود را به میزان زیادی از دست داده‌اند. مردم و مخاطبان نیز به خریداری خدمات مشاغل شریفه، هم‌ارز با نجاری، آهنگری، کشاورزی و ... عادت کرده‌اند و در واقع حرمت‌ها با پول خریداری شده‌اند.

در زمان‌های قدیم، پروفشن‌های اصلی و سنتی، شامل پزشکی (همگی تخصص‌ها و رشته‌های وابسته مانند مامایی، پرستاری، مددکاری، داروسازی...)، روحانیت که در واقع همان پرورش معنوی است (در همه درجات و سطوح) آموزش (از آموزگاری، دبیری، استادی تا مشاوره و پژوهشگری...)، قضاوت (شامل قاضی، وکیل، حسابرس...)، بعنوان خدمات ارجمند تلقی می‌شدند، یعنی خدمات حاصل کار ایشان، قابل خریداری و یا جبران مادی نبود(۱).

در آن دوران، اعضای پروفشن‌های شریف، از راه پروفشن خود، کسب درآمد و گذران زندگی نمی‌کردند، بلکه این مشاغل

* نویسنده مسؤول: نشانی الکترونیکی: Farhud@sina.tums.ac.ir

نژادپرست، فرقه‌های خرافاتی مذهبی، مافیاهای مواد مخدر، گروه‌های تروریستی، ... نیز می‌توانستند در جمع پروفشن‌ها قرار بگیرند.

اصل بر خدمت‌رسانی و فایده‌رسانی و در مجموع، معرفت، مهارت و معنویت است.

در قدیم، پروفشن‌های سنتی، حق و صلاحیت انتخاب کارآموز، ارائه آموزش و پرورش حرفه و در صورت کسب مهارت، توانایی، دانش و معرفت و اخلاق ویژه، اعطای درجه و عنوان لازم و در نهایت پذیرش فرد به عضویت آن پروفشن و البته در صورت خطای بزرگ، جریمه، جزا و حتی اخراج عضو ناصالح را داشتند.

در حال حاضر، تنها نمونه چنین شرایط و فضایی، بعنوان یک پروفشن تمام‌عیار، فقط در جامعه روحانیت دیده می‌شود که کلیه مراحل، از پذیرش طلبه تا مفاد دروس حوزوی، شیوه تدریس استاد حوزوی، مراسم عمامه‌گذاری، نظارت بر خدمات و جایگاه روحانی، برسمیت شناختن درجات و سلسله مراتب روحانیت، پابندی و سرسپردگی عضو جامعه روحانی به الزامات درون‌گروهی و بالاخره واریسی خلاف و جرم احتمالی فرد روحانی در دادگاه ویژه روحانیت و در نهایت و بسیار به ندرت، خلع لباس و طرد از جامعه روحانیت، سرتاسر این روند، بدون دخالت دولتی، از زمان‌های بسیار قدیم تا با امروز بخوبی در جریان است.

این چنین خودگردانی و استقلال، در دیگر پروفشن‌های شریف (پزشکی، معلمی، قضاوت) دیده نمی‌شود، بلکه بصورت برنامه‌منظم از پذیرش دانشجو، پذیرش استاد، مفاد درسی، امتحانات پایانی، اعطای صلاحیت فراغت از تحصیل، ایجاد اشتغال، کاملاً در قالب دولتی درآمده است. هر چند در جامعه دانشگاهی، پزشکی و قضاوت، مراسم سوگند و گذاشتن کلاه مخصوص، بصورت نمادین انجام می‌شود، ولی اعضاء این جوامع، در مقایسه با آنچه که در جامعه روحانیت حاکم و جاری است، هرگز آن یک پارچگی، پابندی و وابستگی به بدنه پروفشن و سازمان شغلی خود را ندارند.

در پروفشن‌های دولتی، جایگاه "تعهد شغلی و معنوی" اعضاء با "تعهد دولتی و کارمندی" عوض شده و "نوآوری دولت" جای "خدمتگزاری ملت" را گرفته. از اینرو اعضای یک

امروزه بیشتر صاحبان پروفشن‌های اصیل و قدیم، دیگر به حفظ و پایش منافع کامل مراجعان خود نمی‌پردازند، بلکه، بفکر درآمد خود هستند و این رویکرد در تضاد با روح و اصالت "پروفشن" بمعنی درک ارزش، ترجیح منافع و سود دیگران بر سود خود می‌باشد. (۲)

همزمان با صنعتی شدن و توسعه آموزش و همگانی شدن تحصیلات عالی و بوجود آمدن رشته‌های دانشگاهی، مشاغل گوناگونی نیز در سطح تخصصی و فوق تخصصی ساخته و تعریف شدند. همزمان و بموازات این شاخه‌های نوین از علوم و مشاغل موازین و ملاحظات و آئین‌های (کدهای) اخلاقی جدید نیز ساخته و پرداخته شدند که بدون تردید موجب سامان‌دهی اساسی در حرفه‌ای‌گری شده‌اند (۳). در مورد اصول اخلاقی برای هر کدام از این حرفه‌های نوین صدها مقاله، ده‌ها کتاب و بعضاً چندین دانشنامه، تنظیم و تدوین شده‌اند. در آمریکا، بر اساس معیارهای ذکر شده در فهرست پروفشن‌های مهم، به تریب سیاستمدارانی مانند جرج واشینگتن، توماس جفرسن و آبراهام لینکن که همگی پیش از ورود به عرصه سیاست، نقشه بردار بودند، پس از آن، علوم پزشکی، حقوق و قضاوت، مهندسی عمران، ... قرار گرفتند.

هر چند پروفشن‌ها تابع آییننامه و چارچوب‌های رفتاری و خدماتی از پیش تعریف شده خود هستند (کد اتیکز سازمانی)، ولی چنین نیست که هر حرفه‌ای اگر منشور اخلاقی و کد اتیکز برای خود بنویسد، ولی هیچگونه الزام درونی و پابندی معنوی به دادن خدمات مفید و جامعه‌پسند نداشته باشد، می‌تواند خود را پروفشن معرفی کند. (۱)

نه هر که چهره برافروخت، دلبری داند

نه هر که آینه سازد، سیکندری داند

هزار نکته باریک تر زمو اینجاست

نه هر که سر بتراشد، قلندری داند

(حافظ)

اگر قرار بود هر گروه و سازمان با تنظیم آییننامه داخلی و سرسپردگی و اطاعت محض در آن گروه یا صنف، فعالیت خود را در قالب یک پروفشن تعریف کند، در این صورت کلیه سازمان‌های زیرزمینی و مخوف فراماسونری، گروه‌های متعصب

مردم نهاد (NGO) بود که توانست در برابر این سونامی، تاب بیاورد و حتی به پایه‌گذاری یک حکومت/ دولت مذهبی بپردازد. این اتفاق بزرگ از عهده پروفشن‌های دیگر، مانند پزشکی، آموزش و پرورش، قضاء بر نمی‌آمد. البته نمونه‌های "مذهب‌های حکومتی" در جهان زیاد دیده شده ولی نمونه یک "حکومت مذهبی" فقط در کلیسای کاتولیک تجربه شده بود که بقایای کم‌رنگ آن هنوز هم در واتیکان دیده می‌شود.

در تاریخ ایران، حکومت دینی در زمان ساسانیان، صفویان و قاجاریه تجربه شده بود ولی در آن نمونه‌ها روحانیون (زرتشتی و یا اسلامی) پشت صحنه سیاست و حاکمیت قرار گرفته بودند و نه بعنوان حاکم اصلی.

اگر اصلی‌ترین ویژگی یک پروفشن را "خودگردانی" کامل و بدون وابستگی به هیچ نظام دیگری، چه دولتی و چه سرمایه‌داری، در نظر بگیریم، در اینصورت یک "پروفشن دولتی" دارای نقاط ضعف و آسیب‌پذیری، به قرار زیر خواهند بود:

۱- در پروفشن‌های سنتی و نوین تعریف شده، همگی افراد، همواره کوشش در اعتلای جایگاه و منزلت پروفشن یا انجمن خود دارند، در حالیکه در پروفشن‌های ساختگی یا دولتی، چنین وابستگی و تعهدی دیده نمی‌شود، که این ممکن است بتدریج موجب سقوط اخلاقی آن پروفشن یا دولت شود.

۲- از آنجاییکه در پروفشن‌های واقعی، یک یک افراد احساس (حتی الزام) به سرسپردگی به بدنه پروفشن دارند، در پروفشن‌های ساختگی دولتی، چنین تعصب و تعهدی دیده نمی‌شود.

۳- اگر اصلیت یک پروفشن را ترجیح دادن منافع دیگران (دریافت‌کنندگان، مراجعه‌کنندگان...) بر منافع افراد پروفشن بدانیم، در پروفشن‌های دولتی، نوکران دولت، منافع دولت (ولی بیشتر منافع شخصی خود) را جایگزین منافع ملت می‌کنند که در چنین صورتی، با تنزل مرتبه پروفشن (از نوع دولتی) اعتماد مراجعان به آن پروفشن و یا بدنه دولت، بتدریج از دست خواهد رفت.

۴- با سقوط مستمر پروفشن‌ها، همزمان انگیزه و اعتماد مردم نیز ساقط شده و رشوه‌گیری، رانت‌خواری،

"پروفشن دولتی" مقید به خدمت و سود رسانی به دریافت‌کنندگان خدمات خود نیستند، آئین و عرف دولتی و نظامی، فرمانبرداری کارمند از دستور مافوق، حتی فراتر از قانون است، آن هم بدون "چون و چرا". (۲)

یک جامعه متعالی (مدینه فاضله) آنست که همگی افراد و اعضای آن، نفع جامعه را بر نفع شخصی خود مقدم بدانند و سود و خیر خود را در سود و خیر جمع، جستجو کنند.

پروفشن اصیل و واقعی دارای یک ترادف ساختاری، شامل دانش، شناسایی، برتری (مهارت، معرفت، فضیلت)، خودمختاری و خودگردانی است.

در واقع می‌بایست رسالت و پایبندی اعضاء پروفشن‌های اصیل و تعریف شده، حفظ منافع و اعتلای اعتبار و جایگاه پروفشن باشد، در حالیکه چنین رفتاری در پروفشن‌های دولتی دیده نمی‌شود و از شعار "اکرام ارباب رجوع" فقط بصورت یک تعارف رایج و دلپذیر و آرام‌بخش، استفاده می‌شود.

توجه ویژه به حقوق مراجعان و ایجاد فضای اعتماد به خود و حرفه، برقراری مناسبات تعریف شده و مستحکم بین دهنندگان و گیرندگان خدمات، موجب آرامش و اطمینان بین افراد جامعه، حفظ حقوق اجتماعی و اعتلای منافع ملی می‌شود.

فراگیرترین سازمان برای اعمال و نظارت بر اجرای قوانین عادلانه، دولت‌های برگزیده مردم هستند و در چنین صورتی، دولت اجازه تجاوز به حدود و حقوق مردم را به هیچ فردی نخواهد داد و در اینجا بگفته هِگِل، "مردم و افراد آزاد، آنهایی هستند که از چنین نظام اجتماعی، سیاسی و حکومتی، تمکین و نگهداری کنند".

در برخی جوامع ناآگاه و بدون مشارکت فعال طبقه خواص و نخبگان در بوجود آمدن، ساختار و رشد یک دولت آرمانی، ترکیب و اساس دولت، حکومت اکثریت (عوام) بر اقلیت (خواص) خواهد بود که می‌تواند منجر به حاکمیت "پوپولیسم" بر "پروفشنالیسم" شود، که آن به معنی برتری "عوام سالاری" بر "تخصص سالاری" است، که بعضاً در تناقض با برخی اصول "پروفشن" است.

در ایران پس از مشروطیت و رسیدن امواج نوگرایی و آزادخواهی غرب به ایران، "پروفشن روحانیت" تنها سازمان

۲. حسینی، داوود. فرق پروفشن آزاد با پروفشن دولتی، (در دست انتشار)

۳. فرهود، داریوش. مروری بر تاریخچه اخلاق، همراه با گردآوری زمینه‌های گوناگون اخلاق، فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری، سال دوم، شماره‌های ۱ و ۲، ۱۳۸۶.

اختلاص، زورگیری رواج می‌یابد و این به معنی کاهش "اعتماد ملی" و باین ترتیب از دست رفتن "سرمایه اجتماعی" یا همان "سرمایه ملی" خواهد بود.

منابع

۱. فرهود، داریوش. آیا پروفشن، همان کسب و کار و حرفه است؟ فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری سال دوم، شماره‌های ۳ و ۴، ۱۳۸۶